

تحلیل شأن و ماهیت رویان انسان از منظر فقه و حقوق با تأکید بر فناوری مهندسی سلول‌های نطفه‌ای انسان فاطمه طرف^۱

مقاله‌ی مروری

چکیده

مهندسی ژنتیک سلول‌های نطفه‌ای، نوعی روش درمان و بهسازی ژن در گستره دانش مهندسی ژنتیک است که با هدف اصلاحات قابل توارث در نسل‌های متوالی به انجام می‌رسد. مطابق با مبانی علمی، رویان یکی از اصلی‌ترین سوژه‌های پژوهشی و عملیاتی این مهندسی محسوب می‌شود. بنابراین، نتایج حاصل از پژوهش‌های علمی این مهندسی در صورتی که سوژه‌ی انسانی را در دستورکار خود قرار داده باشند، ارتباط تنگاتنگی با مبانی فقهی و حقوقی مرتبط با رویان انسان پیدا خواهند نمود. مقاله حاضر کوششی است برای ارائه‌ی تحلیلی نو در خصوص شأن رویان انسان و نوع روابط والدین با آن که به‌طور خاص بر فناوری مهندسی ژنتیک سلول‌های نطفه‌ای انسان متمرکز شده است. در این راستا کوشش شده است تا با اتکا بر ایده‌ای که رویان را فاقد روح انسانی می‌داند به طرح‌ریزی تحلیلی نوین در خصوص ماهیت آن نائل آییم؛ تحلیلی که در بادی امر با چالش‌ها و سؤالاتی روبه‌رو خواهد شد که در ورطه‌ی رویارویی با آن‌ها جز به مدد پالایش و تدقیق موفق نخواهد بود. در چارچوب پژوهش حاضر جنین پیش از دمیده‌شدن روح، جزئی از اموال مشترک والدین خود تلقی شده است. بنابراین، هسته‌ی مرکزی این مقاله به طرح ایده‌ی مملوکیّت و مالیت رویان پرداخته و در نهایت به ترسیم حدود و ثغور آن اقدام شده است. در تحلیل مورد نظر نگارنده، مالیت داشتن نشانه‌ی ارزش و منفعت ذاتی چیزی (در این‌جا رویان) است و هرگز مستلزم رابطه‌ی مستقیم بین ارزش آن چیز با قابلیت داد و ستد در بازار نخواهد بود. به علاوه بازخوانی و توجه کافی به مفاد قاعده‌ی تسلیط در خصوص حدود مالکیّت والدین بر رویان گامی اساسی در تنقیح و دفاع از این دیدگاه جدید است که در این پژوهش به آن اشاره شده است. بر این اساس، تسلط مالک بر اموال خود که در قاعده‌ی تسلیط بیان و تشریح می‌شود، محملی برای انواع تصرفات و مداخلات سلیقه‌ای و بی‌حد و حصر مالک در اموال خود نخواهد بود.

واژگان کلیدی: مهندسی سلول‌های نطفه‌ای انسان، رویان، روح انسان، کرامت انسانی، مالکیّت

^۱ کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی

* نشانی: تهران، بلوار کشاورز، خیابان عبدالله زاده، کوچه پنجم، پلاک ۲، تلفن: ۰۹۱۶۷۷۶۱۵۳۵، Email: fatemehtorof@gmail.com

مقدمه

الف) مبانی و سناریوهای علمی

فناوری مهندسی سلول‌های نطفه‌ای به مجموعه روش‌های اجرای مداخلات ژنتیکی در رسته‌ی سلول‌های زایا اشاره دارد که در محیط آزمایشگاهی، تغییرات ژنتیکی مورد هدف را به‌صورت توارثی انتقال داده و در تمام نسل‌های آتی به‌طور دائمی باقی گذارد. منظور از سلول‌های زایا اسپرم پدر بالقوه^۱، اوول مادر بالقوه و نیز رویان است (۱). در این پژوهش رویان به معنای جنین پیش از هشت هفته به‌کار می‌رود. این فناوری گاه با نام اصلی‌ترین روش خود یعنی انتقال ژن خوانده می‌شود. بنابراین، انتقال ژن به معنای معرفی توالی یک DNA آگزوژن به داخل ژنوم یک ارگانیسم پر سلولی بوده و هدف کلی آن، الحاق اطلاعات ژنتیکی بیگانه به داخل یک ژنوم است. این الحاق ممکن است با هدف سرکوب یا حذف یک ژن آندوژن، جایگزینی یک ژن عملکردی یا تولید ارگانیسمی با پروتئین جدید صورت گیرد (۲). سناریوهای این فناوری در دو سطح ژن‌درمانی و بهسازی ژنی طراحی شده‌اند (۱). ژن‌درمانی عبارت است از وارد کردن یک ژن به داخل یک سلول با هدف رسیدن به نوعی اثر درمانی اعم از مداوا یا پیش‌گیری از یک بیماری (۳). بنابراین، هر گونه اقدام برای جانشین کردن ژن یا عملکرد ژنی بیمارگونه با شاخص‌های سلامت چنانچه با هدف درمان یا پیشگیری از یک وضعیت نامقبول پزشکی انجام شود، در سطح درمانی فناوری می‌گنجد (۴). این در حالی است که در سطح بهسازی به فعالیت‌هایی اشاره می‌شود که ایجاد تغییرات وراثتی دائمی را در راستایی متفاوت از تعاریف و برداشت‌های سنتی از درمان دنبال می‌کنند. به‌عبارت بهتر، بهسازی یا اصلاح ژن به معنای

تقویت، افزایش و پرورش خصوصیات ژنتیکی است که هدف از آن صرفاً درمان یا پیش‌گیری از بیماری نیست؛ نظیر بهسازی ژنی برای افزایش خلاقیت موسیقایی یک فرد. جدول شماره ۱ در این مقاله، به تعدادی از مهم‌ترین سناریوهای علمی این فناوری در دو سطح درمان و بهسازی ژنی اشاره می‌کند (۵).

ب) سوژه‌های فناوری

سوژه‌های این فناوری در یک تقسیم‌بندی کلان در دو دسته‌ی سوژه‌های گامتیک و امبریونیک (رویانی) می‌گنجد. به‌طور خلاصه باید گفت، چنانچه DNA بیگانه به اسپرم معرفی شود، به سرعت به آن متصل می‌گردد. بنابراین، اسپرم نقش یک حامل را برای DNA بیگانه ایفا کرده و آن را به داخل اوول انتقال خواهد داد (۲). این مکانیزم، یک تئوری کارا و کم‌هزینه برای تولید محصولات تراریخته به‌شمار می‌رود. اما علیرغم سهولت، بسیاری از تلاش‌ها برای اثبات کارایی عملیاتی آن به نتایج مطلوب نائل نیامده است (۶). مشکل آن است که یک آنزیم تخریب‌کننده‌ی DNA به‌وفور در اسپرم یافت می‌شود و به علاوه روش‌های افزایش شانس اسارت DNA بیگانه توسط اسپرم اغلب با قدرت آن در بارور کردن اوول تداخل داشته و احتمال لقاح را کاهش می‌دهد (۱). میکروتزریق DNA بیگانه در اوول نیز قابلیت اجرا دارد اما DNA در اوول تکثیر نمی‌شود. پس شانس چندان برای ادغام با ژنوم اوول وجود ندارد. بنابراین، تلاش شده است تا با استفاده از حاملین رتروویروسی این نقیصه جبران شود. اگرچه این متد، تاکنون در دو گونه از حیوانات با موفقیت عمل کرده اما دارای تمامی محدودیت‌های به‌کارگیری حاملان رتروویروسی است (۲).

نظر به مراتب فوق، «رویان» به‌صورت بالقوه، اصلی‌ترین کاندیدا برای آزمایش‌های فناوری مهندسی سلول‌های نطفه‌ای است (۷). تئوری روش تزریق DNA به داخل پیش‌هسته از

^۱ انتخاب عنوان بالقوه برای اشاره به این موضوع است که افراد مذکور تا قبل از تلقیح سلول‌های نطفه‌ای، والد خطاب نخواهند شد، بلکه تنها دارای پتانسیل تولید نسل هستند.

داشته و به علاوه میزان ادغام‌شدگی DNA بیگانه در رویان‌های باقی مانده تنها بین ۱ تا ۲۰ درصد است (۲). نرخ بالای شکست به این دلیل است که هیچ کنترلی بر محل ادغام DNA بیگانه با ژنوم میزبان و همچنین تعداد کپی‌های آن وجود ندارد (۸).

سال ۱۹۸۰ میلادی توسط Jon Gordon طرح‌ریزی شده و در مورد چندین گونه از پستانداران مورد عمل قرار گرفته است. با این حال، این روش از جمله مکانیزم‌های پرهزینه و کم‌نتیجه تلقی می‌شود (۷). آزمایش‌ها نشان داده است که نتایج اندک در این روش ارتباط فراوانی با مرگ رویان‌ها

Table 1: HGGM Applications: Technical Feasibility and Consumer Demand

Scenario	Examples	Technical feasibility	Consumer demand
Prevention of mitochondrial disease	Transfer donor ooplasm in order to provide unaffected mitochondria and mtDNA	Most feasible; Ooplasm transfer and; pronuclear transfer have; been performed in humans.	Less demand Mitochondrial disease is extremely rare.
Genetic vaccine	Confer genetic resistance to HIV infection (e.g. CCR5*)	Moderately feasible; Some genes have been identified; Feasibility is dependent on efficient genetic modification techniques.	Moderate demand; Non-genetic modification; alternatives more likely.
Prevention of recessive disease with two affected parents	Prevent cystic fibrosis in child of two affected parents.	Moderately feasible; Genes have been identified; Feasibility is dependent on efficient genetic modification techniques.	Less demand; Extremely rare cases; Adoption, donor gametes or embryos are alternatives.
Prevention of late onset dominant disease with homozygous parent	One parent has two copies of BRCA1** mutation.	Moderately feasible; Genes have been identified; Feasibility is dependent on efficient genetic modification techniques	Less demand; Cases are extremely rare: Homozygosity of many dominant disease-related gene mutation often has severe effects that preclude survival to reproductive age.
Prevention of recessive disease.	Prevent sickle cell disease, cystic fibrosis, thalassemia in children of two carriers.	Moderately feasible; Genes have been identified; Feasibility is dependent on efficient genetic modification techniques.	Less demand; PGD*** is an effective alternative.
Enhancement of physical characteristics, mental capacity or behavior	Change or add gene to influence height, improve memory, intelligence, creativity or confidence	Less feasible; Genetic contributors to these characteristics are unclear.	Uncertain demand; Ethical objections to enhancements.
Multiple genetic Modifications	Add immunity, athletic skill, etc.	Least feasible; Numerous genetic contributors not known, may require use of artificial chromosomes.	Uncertain demand; Ethical objections to multiple enhancements may be particularly high.

*CCR5: Chemokine receptor type 5; also known as CCR5 or CD195

**BRCA1: Breast Cancer type 1

***PGD: Pre - implantation genetic diagnosis

پیش‌هسته نیاز دارد تا آنجا که بسته به حجم ژن و خلوص DNA تزریقی تعداد رویان‌های مورد نیاز قابل جمع‌بندی کلی

با لحاظ این نتایج، چنین مکانیزمی در مسیر اجرای موفقیت‌آمیز خود به شمار فراوانی رویان در مرحله‌ی

نیست (۹). برای گریز از مشقات موجود در این متد، پژوهشگران از روش انتقال ژن به درون سلول‌های EG¹ و نیز انتقال ژن به سلول‌های تمایز یافته جهت تولید جانوران شبیه‌سازی شده، استفاده می‌کنند. در این صورت، جایگزینی ژن بیگانه تنها در وضعیت نوترکیبی همولوگ که الگویی کم‌رویداد و نادر است، انجام می‌پذیرد (۲). باید توجه کرد که نوترکیبی همولوگ در بهترین شرایط صدبار کم‌تر از نوترکیبی هترولوگ به‌وقوع می‌پیوندد (۲). از بررسی مبانی علمی و سوژه‌های این فناوری چنین مشخص می‌شود که رویان اصلی‌ترین و امیدبخش‌ترین سوژه برای اجرای سناریوهای مهندسی سلول‌های نطفه‌ای انسان است.

ج) اهداف پژوهش

در آن دسته از پژوهش‌های این فناوری که نسل‌های انسانی را هدف کار خود قرار می‌دهند، رویان انسان به‌شدت در معرض آزمون و خطا قرار خواهد گرفت. گستره‌ی وسیع پژوهش و آزمایش بر روی رویان انسان است که چنین فناوری را با چالش‌های وسیع اخلاقی و حقوقی روبه‌رو خواهد ساخت. بر عقل سلیم پوشیده نیست که رویان نخستین جوانه‌ی نمو یک انسان است. اما این جوانه‌ی نوظهور تنها از پتانسیل و استعداد برای تبدیل شدن به یک انسان برخوردار است. در این محاسبه، پتانسیل تبدیل شدن به یک انسان در مقابل مفهوم انسان بودن قرار گرفته است. به‌راستی چه تفاوتی بین شأن موجودی که می‌تواند در آینده به انسان تبدیل شود با یک انسان وجود دارد؟ از سوی دیگر، فناوری مهندسی سلول‌های نطفه‌ای انسان فناوری‌ای است که به‌طور کامل معطوف به درمان یا اصلاح نسل یا نسل‌هایی از بشر است که هنوز پای به عرصه‌ی وجود نهاده‌اند. به‌راستی والدین چرا و چگونه می‌توانند انتخاب‌های خود را به شبکه‌ی نسل‌های پس از خود تحمیل کنند؟ به‌عبارت دیگر، مبنای صلاحیت و اختیار آنان برای تصمیم‌گیری و دخالت در ویژگی‌ها و

خصوصیات نسل پس از خود چیست؟ در این پژوهش نگارنده پس از بررسی و توضیح شأن رویان انسان از منظر فقه و حقوق اسلامی به طرح برداشتی نسبتاً نوین از ماهیت رویان انسان و نوع روابط والدین با آن خواهد پرداخت که در حیطه‌ی مفهوم مالیت و مملوکیت رویان توسط والدین قرار خواهد گرفت و پس از آن به ترسیم حدود و مرزهای شرعی و عقلایی روابط والدین با رویان اقدام خواهد کرد. پیش از آغاز مباحث به این نکته اشاره می‌شود که نگارنده خود به حساسیت و اهمیت مباحث مربوطه واقف بوده و اذعان می‌کند که ضمن اتکا بر مبانی معمول و پذیرفته شده، تلاش کرده است تا برداشت‌های شخصی خود را از مبانی اخلاقی، فقهی و حقوقی به گونه‌ای نظام‌مند و علمی ارائه کند. این بدین معنی است که نگارنده قصد و اصراری برای معرفی برداشت‌های شخصی خود به‌عنوان واقعیت مبانی متین و متعالی فقهی و اخلاقی نخواهد داشت.

روش کار

این پژوهش بر اساس منابع فارسی و عربی کتابخانه‌ای و نیز استناد به سند بین المللی ژنوم انسان و حقوق بشر طرح‌ریزی شده است. هم‌چنین، منابع انگلیسی از طریق جست‌وجوگر Google و نیز سایت Google Scholar با استفاده از کلید واژه‌هایی نظیر:

human germ line engineering- gene therapy و gene enhancement به‌دست آمده‌اند. روش ارائه‌ی مطالب نیز به‌صورت توصیف داده‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی و سپس تحلیل و پالایش آن‌هاست.

بحث اول: بررسی ماهیت و شأن رویان در قرآن

استخراج سلسله مراتب برای آفرینش انسان در کتاب مقدس قرآن، در آشکارترین وجه خود از طریق آیات شریفه‌ی ۱۴-۱۲ سوره‌ی مؤمنون صورت می‌گیرد. در چارچوب این آیات دو دسته‌بندی فراگیر و سه دسته‌بندی جزئی قابل مشاهده است. دسته‌های فراگیر عبارتند از: حیات

¹ EG: Embryonic germinal cells

اسراء امکان می‌پذیرد، تنها منوط به برخورداری او از روح انسانی است و در غیر این صورت وجهی برای تفضیل بر سایر مخلوقات نخواهد داشت زیرا عنوان تکریم عنوانی نفسی است به این معنا که در مقام قیاس با دیگران قرار ندارد. اما منظور از عنوان تفضیل این است که شخص مورد تفضیل از دیگران برتری یابد (۱۰). این کلام یک نتیجه‌ی منطقی در پی خواهد داشت: اگر کرامت ذاتی انسان منوط به برخورداری وی از روح انسانی است، و چنین کرامتی وجه تفضیل انسان بر سایرین است، پس آنچه از چنین روحی برخوردار نباشد از کرامت و شأن انسانی بی‌بهره است و بر سایرین برتری نخواهد داشت. باید گفت تفکیک بین دو مرحله‌ی پیش و پس از دمیدن روح انسانی بین فقها و اندیشمندان اهل تشیع و تسنن متداول است (۱۴).

بحث دوم: بررسی شأن رویان از منظر فقه

در ادبیات فقهی هیچ سرفصل جداگانه‌ای در مورد شأن جنین پیش از چهارماهگی وجود ندارد و طبیعی است که مباحث مرتبط با آن باید از فحوای روایات صادره پیرامون نابودسازی (یا سقط) جنین استخراج شود. بنابراین، نگارنده از این سرفصل تنها در مسیر تعیین ماهیت و میزان شأن رویان استفاده کرده و به هیچ عنوان قصد ورود به بحث حرمت یا عدم حرمت سقط جنین را نخواهد داشت.

گفته می‌شود که سقط جنین فاقد روح از نظر علمای شیعه جز در موارد استثناء حرام است (۱۵). ریشه‌ی اصلی چنین رویکردی آن است که دلایل حرمت اسقاط جنین قبل از چهارماهگی را عمدتاً دو روایت منقول از معصوم علیه‌السلام می‌دانند (۱۶-۱۹): متن این دو روایت به عبارت ذیل است: اسحاق ابن عمار روایت می‌کند: «قلت لابی الحسن (علیه السلام) المرأه تخاف الحبل فتشرب الدواء فتلقى ما فی بطنها، فقال: لا، فقلت: فأنا هو نطفه. قال (ع): أن أول ما یخلق

رویان پیش و پس از دمیده شدن روح که فارق آن دو توسط تعبیر «انشای آفرینش دیگر» تحصیل می‌شود و دسته‌های جزئی که زیرمجموعه‌های مرحله‌ی پیش از دمیده شدن روح تلقی می‌شوند و به ترتیب عبارتند از: نطفه، علقه و مضغه. واضح است که برای تحلیل شأن رویان در فناوری مهندسی سلول‌های نطفه‌ای انسان ما تنها به دسته‌بندی‌های فراگیر و فارق آن دو از یکدیگر نیازمندیم.

مفسران در تفسیر عبارت «ثم انشأناه خلقاً آخر» آن را دلیلی بر خلقت تدریجی تلقی کرده و با شواهدی دیگر از آیات و روایات، منظور اساسی آن را دمیدن (یا ولوج) روح انسانی بیان کرده‌اند (۱۲-۱۰). در این آیه سیاق کلام از خلقت به انشاء تغییر پیدا کرده تا بر به‌وجود آمدن چیزی دیگر و حقیقتی دیگر دلالت کند (۱۳). این تعبیر هیچ تعارضی با وجود حیات نباتی از ابتدای تشکیل زیگوت ندارد زیرا در جهان هستی گونه‌های بی‌شماری از حیات و تکامل پرخه‌های حیاتی وجود دارد که تفاوت شأن و احترام آنان با حیات بشر، نداشتن روح انسانی است. به‌عبارتی، انسان پیش از ولوج روح چیزی بیش از صرف ماده نیست که با دمیده شدن روح انسانی به موجودی تبدیل خواهد شد که در ذات و صفات و خواص با دوران گذشته‌اش تفاوت پیدا خواهد کرد. در عین حال، این موجود جدید همان موجود سابق است که البته نه در ذات و نه در صفات با موجود سابق تشابه و اشتراکی ندارد بلکه تنها با آن نوعی اتحاد و تعلق دارد تا آن را در راه رسیدن به مقاصدش یاری کند درست مثل وسیله و آلتی که در دست صاحب آن است (۱۳).

با نگاهی به مراحل تکوین اولین انسان نیز می‌توان دریافت که کرامت بشر بر سایرین تنها پس از دمیدن روح انسانی قابل تصور است که می‌توان آن را با تعبیر «انسان مسجود» بیان کرد. زیرا در آیات مربوطه، امر الهی در مورد سجده‌ی ملائکه بر انسان پس از دمیده شدن روح در کالبد آدمی صادر شده است (۱۰). بنابراین، به‌نظر می‌رسد کرامت ذاتی بشر که اثبات آن از طریق آیه‌ی شریفه‌ی ۷۰ سوره‌ی

نطفه^۱ (۱۷). روایت دوم صحیحی رفاعه است: «قلت لأبی عبدالله علیه السلام: اشتری الجاریه فریما احتبس طمئها من فساد دم أو ریح فی رحم فتسقی دواء لذلك فتطمث من یومها، أفیجوز لی ذلک و أنا لا أدری من حبل هو أو غیره؟ فقال علیه السلام لی: لا تفعل ذلک...^۲» (۱۷).

این دو روایت شریفه اصلی‌ترین روایاتی است که در کتب فقهی اهل تشیع و تسنن به‌عنوان دلایل حرمت سقط جنین مطرح می‌شوند. آنچه در این دو روایت مسلم است تعلق دیه به هرگونه نابودسازی جنین بدون عذر شرعی است که می‌تواند به جنین نتیجه‌ای ختم شود که نابودسازی جنین حرام است. اما جای این پرسش است که آیا اثبات حرام بودن نابودسازی یک موجود همیشه دلیل بر این است که آن موجود از شأن و کرامت انسانی برخوردار است؟ آیا حرام بودن تلف اموال دیگران که ممکن است شامل نباتات و سایر موجودات تحت تملک آنان باشد دلیل بر وجود کرامت و شأن آن موجودات است؟

اگرچه وجوب دیه بر سقط جنین پیش از پیدایش روح، مورد اجماع فقها است (۱۸) و از این طریق، حرمت معدوم کردن رویان را به ذهن متبادر می‌سازد اما باید توجه داشت که دیه را نمی‌توان در رده‌ی کیفر به‌شمار آورد و چه بسا بتوان آن

^۱ زنی از بارداری می‌ترسد پس دارویی می‌خورد و در اثر آن آنچه در شکم دارد سقط می‌کند. فرمود: نه، گفتم: آن نطفه‌ای بیش نیست! فرمود: ابتدای خلقت و آفرینش انسان نطفه است.

^۲ رفاعه می‌گوید که به امام صادق علیه السلام گفتم: کنیزی خریده‌ام که به جهتی، حیض نمی‌بیند و برای آن دارویی می‌خورد آیا چنین کاری برای من جائز است؟ در حالی که نمی‌دانم قطع حیض به جهت بارداری بوده یا چیز دیگر؟ حضرت فرمودند: این کار را نکن. گفتم: بر فرض هم که به سبب حمل بوده، نطفه‌ای است همانند آنچه مرد عزل می‌کند. حضرت فرمود: نطفه هر گاه در رحم منعقد شود به علقه و سپس مضغه تبدیل می‌شود تا آنجا که خدا بخواهد...

را در مواقعی که فعل حرامی رخ نداده باشد نیز ثابت دانست^۳ (۱۹). از سوی دیگر، پیرامون ماهیت دیه یعنی مجازات کیفری یا خسارت مالی بودن آن در بدنه‌ی مباحثات نظری فقهی و حقوقی با چالش‌های فراوانی روبه‌روست (۲۰). به‌عبارتی، هرچند دیه مانند جزای نقدی مجازات مالی است، ولی در عین حال یک دین و حق مالی برای اولیای دم و بر ذمه‌ی جانی است لذا با فوت محکوم‌علیه از اموال متوفی استیفا می‌شود (۲۱). بنابراین، دیه تأسیس مستقلی است که به‌طور همزمان ویژگی‌هایی از مجازات و نیز جبران خسارت دارد.

به‌عنوان مثال، پیش‌بینی مواردی برای پرداخت دیه توسط بیت‌المال و یا عاقله نشانگر کیفر محسوب نشدن دیه است زیرا مجازات کردن بیت‌المال یا عاقله^۴ غیر مجرم معنایی ندارد. نگارنده چنین می‌پندارد که چه دیه را خسارت مالی دانسته و چه کیفر بدانیم، چه آن را دلیل حرمت سقط جنین دانسته و چه ندانیم، تعلق دیه بر جنین در تمام مراحل آن، نمی‌تواند دلیل وجود شأن انسانی برای جنین پیش از چهارماهگی باشد.

در این راستا می‌توان به تحولات قانون مجازات اسلامی در ایران رجوع کرد. قانون مجازات اسلامی مرجعی معتبر و بنیادین برای درک جایگاه و شأن رویان انسان است که اگر چه به‌خودی خود سرفصل خاصی در این رابطه ندارد اما از مجرای تحولات قانون‌گذاری پیرامون مجازات سقط جنین می‌توان تا حدودی به درک جایگاه رویان در چشم‌انداز این قانون زیربنایی و کاربردی راه پیدا کرد. ماده‌ی ۹۱ قانون تعزیرات سابق مصوب ۱۳۶۲ خورشیدی سقط جنین دارای روح انسانی را موجب قصاص می‌دانست حال آن‌که پس از نسخ آن، امروزه ماده‌ی ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی در بند ششم خود تنها به تعیین دیه برای سقط جنین حتی پس از

^۳ نظیر دیه‌ی ناشی از جنایات رخ داده توسط شخص نائم یا جنایاتی که به‌صورت خطای محض رخ می‌دهد.

^۴ مطابق با ماده‌ی ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدري به ترتیب طبقات ارث.

می‌کنیم؛ با اعتقاد به عدم برخورداری رویان از روح انسانی، ماهیت آن و تبعاً مبنای رابطه‌ی والدین با آن به‌ویژه در تصمیمات مرتبط با ژنوم چه خواهد بود؟

لازمه‌ی پاسخ به این سؤال آن است که از سیاست یک بام و دو هوا در رویکرد اخلاقی و فقهی نسبت به ماهیت رویان اجتناب ورزید و با اتخاذ روشی متقن به خط پایان اختلافات نزدیک شد. اگر جنین قبل از چهارماهگی فاقد روح انسانی است پس از عنوان انسانیت خارج است و گونه‌ای حیات نباتی است که بنا بر ژنوم ترکیبی خود، در ملکیت مشاع والدین قرار دارد. نگارنده به‌خوبی می‌داند که این ایده به لحاظ اخلاقی چالش‌برانگیز و پرمناقشه است. تصور این‌که جنین انسان پیش از چهارماهگی جزئی از املاک و بالاتر از آن جزئی از اموال والدین به‌شمار آید می‌تواند خطرناک، نامطمئن و خشن تلقی شود. اگر این ایده را ناپخته و غربال نشده باقی‌گذاریم بسیاری از دغدغه‌های اخلاقی راجع به آن درست و منطقی خواهد بود اما قصد نگارنده در مباحث آتی این است که با ارائه‌ی تحلیل‌های فقهی و حقوقی به چالش‌های اخلاقی در این خصوص پاسخ گوید و به پالایش و تلطیف ایده‌ی مملوکیت و مالیت رویان بپردازد.

مشاع بودن و ماهیت اشتراکی ژنوم رویان با اثبات مالکیت هر والد بر گامت‌های خود به‌راحتی قابل درک است اما لازمه‌ی پذیرش این ایده، اعتقاد به‌وجود رابطه‌ی ملکیت بین انسان و اعضای خود (در این‌جا گامت‌ها) است. گامت‌ها بخشی از اجزای ارگانیسم انسان هستند و به این اعتبار، حل و فصل مسأله‌ی حق سوژه‌دهنده بر آن‌ها از طریق نتایج حاصل از سرفصل‌آشنای «ماهیت حق انسان بر اعضای خود» قابل انجام است. مالکیت، مفهومی بنیادین در حقوق است که می‌توان از آن به‌عنوان سلطه و انتسابی بین مالک و مملوک یاد کرد، به گونه‌ای که مالک بتواند در مملوک تصرف کرده و در عین حال مانع تصرف دیگران شود. حضرت آیت‌اله العظمی خویی (ره) ضمن اعتقاد به‌وجود رابطه‌ی مالکیت ذاتی بین انسان و اجزای خود، بیان داشته‌اند که اعمال، نفس و ذمه‌ی

چهارماهگی اکتفا کرده است و بنابراین، سقط جنین دارای روح انسانی نیز موجب قصاص مرتکب نخواهد شد، چه رسد به سقط جنین قبل از چهارماهگی. این رویکرد قانونی در یکی از بنیادی‌ترین قوانین ایران بدین معنی است که یک موجود متولد نشده اگرچه دارای روح انسانی باشد، از تمام شوون و کرامات و حقوق یک انسان متولد شده و دارای حیات مستقل برخوردار نیست و تا زمان تولد هم‌چنان با آن متفاوت خواهد بود. اگر این تفاوت آشکار را به تفاوت در شأن و کرامت تفسیر نکنیم پس چنین تفاوتی چه معنای دیگری خواهد داشت؟ با اتخاذ این دیدگاه و به طریق اولی، تمایز و تفاوت بین شأن و ماهیت جنین قبل و بعد از ولوج روح انسانی مسلم‌تر، آشکارتر و بدیهی‌تر خواهد بود. نگارنده از ورود به مبحث حرمت یا عدم حرمت سقط جنین پرهیز می‌کند اما در این جایگاه باید به این نکته‌ی مهم و اساسی تصریح کرد که در کتب فقهی هیچ دلیلی بر وجوب کفاره برای سقط جنین پیش از پیدایش روح وجود ندارد (۲۲). کفاره در فقه متعالی اسلام در بعضی موارد از جمله ارتکاب قتل بر جانی واجب می‌شود و وجوب آن در هر مورد نشانگر وقوع یک امر حرام است. شایان ذکر است که همه‌ی فقهای امامیه جز علامه در کتاب تحریر به عدم وجوب کفاره در مورد سقط جنین قبل از چهارماه قائل‌اند (۱۹). در کتاب گرانبار جواهر الکلام به‌وضوح آمده است که با فرض عدم وجود روح انسانی در جنین قبل از چهارماهگی، کفاره‌ای نیز بر مرتکب یا مسبب سقط جنین جنینی واجب نیست زیرا نابود کردن جنین قبل از دمیدن روح انسانی شامل عنوان قتل نمی‌شود (۲۳). بنابراین، در دیدگاه مشهور فقهای امامیه اگرچه نابودسازی جنین پیش از چهارماه حرام است، به‌دلیل نداشتن روح انسانی از تحت عنوان قتل خارج است. آیا این نکته بر چیزی به‌جز برخوردار نبودن جنین پیش از چهارماه از کرامت و شأن انسانی دلالت می‌کند؟

بحث سوم: ماهیت فقهی - حقوقی رویان

ما این گفتار را با ارائه‌ی یک پرسش مناقشه‌انگیز آغاز

هر شخص به صورت ذاتی در ملکیت وی قرار دارد و این نوع ملکیت بالاتر از ملکیت اعتباری و پایین‌تر از ملکیت حقیقی است. ایشان منظور از لفظ «ذاتی» را چیزی دانسته‌اند که در مرحله‌ی تحقق خود به امر خارجی تکوینی یا اعتباری نیازمند نیست. در دیدگاه معظم‌له ملکیت ذاتی چیزی جز سلطنت شخص بر نفس و شوئن خود و نیز امکان تصرف وی در آن‌ها نیست زیرا وجدان، ضرورت و سیره‌ی عقلا، به تسلط شخص بر خود، عمل و ذمه‌اش حکم می‌کنند تا آنجا که خود را اجیر دیگری سازد یا مافی ذمه‌اش را به فروش رساند. ایشان از مجرای چنین مسأله‌ای به مالیت عمل شخص حرّ، اعتقاد دارند (۲۴). دکتر مهدی شهیدی در حمایت از این تئوری بیان می‌دارد: «آنچه برای حصول مالکیت نسبت به شیء لازم است تصرف و حق اختصاصی نسبت به آن است که این امر برای ایشان نسبت به آن اشیاء ثابت باشد و بنابراین، شک و تردیدی در غیرقانونی بودن سلب تصرف انسان از چیزی که متصرف آن است وجود ندارد. بنابراین، علیرغم نامأنوس بودن ذهن با مالکیت شخص نسبت به اعضای بدن خویش به علت کم سابقه بودن آن، این مالکیت از بارزترین مصادیق ملکیت حتی در مفهوم حقوقی آن است که در حقیقت مالکیتی ذاتی و طبیعی است» (۲۵). در همین راستا گفته شده است که مالکیت انسان بر خود چون امری مجعول و اعتباری نیست، به معنای سلطه و اقتدار است (۲۶). این سلطنت به حسب تکوین، محدود به چیزی نیست زیرا انسان قادر به انواع تصرفات در نفس خود است اما این ملکیت اگرچه تکویناً اقتضای محدودیت را ندارد ولی شارع حدود و مراتبی برای آن طراحی کرده است (۲۶). پیش از این در مبحث مربوط به شأن رویان به این نکته پرداخته‌ایم که سقط رویان یا جنین در هر مرحله‌ای از رشد خود دارای دیه است. تعلق دیه بر تلف یا نقصان هر چیز دلیل آشکار بر ارزش عرفی و شرعی آن است و با اعتقاد به عدم انسانیت جنین قبل از چهارماهگی تنها راه چاره برای تفسیر تعلق دیه

به سقط آن، این است که این دیه را ما به ازای خسارت به بخشی از املاک والدین بپنداریم. به همین دلیل است که در صورت مشارکت هر یک از ایشان در نابودسازی جنین قبل از چهارماهگی موضوع بر طبق قاعده‌ی اقدام در فقه تفسیر شده و مالکی که ملک خود را در معرض تلف قرار داده از جبران خسارت محروم بوده و مستحق دریافت دیه نیست. اما به راستی مالکیت والدین بر رویان چه زمان پایان خواهد یافت و به عبارتی انسان از چه هنگام مالک خود خواهد بود؟ پاسخ بسیار آسان است زیرا انسان تنها به اعتبار انسان بودن مالک خود است و لذا به محض صدق عنوان انسان (از نظر فقه امامیه پس از چهارماهگی)، از اهلیت تمتع حق مالکیت بر خود برخوردار است هر چند تمتع وی منوط به تولد است. در واقع، ولوج روح انسانی تغییری اساسی در ارگانسیم جنین ایجاد می‌کند به این معنا که موضوع مالکیت سابق را دگرگون ساخته و آن را به شخصیتی مستقل از ملک مشاع والدین تبدیل می‌کند هر چند این واقعه‌ی تولد است که وی را به لحاظ حقوقی قائم‌مقام قهری مالکین سابق ساخته و حق مالکیت وی را بر خود، مستقر می‌کند.

از سوی دیگر، نگارنده چنین می‌پندارد که قابلیت تقویم اموال به پول، نقش‌آفرینی آن‌ها در بازار داد و ستد و نیز امکان انتقال و اسقاط حقوق مالی، عمده‌ترین دلایلی است که مخالفان را به موضعی سوق می‌دهد که بین وصف مالیت بر اعضاء با کرامت و شأن انسان، قائل به تعارض باشند و نسبت به شکل‌گیری «بازار اعضاء» احساس نگرانی کنند. حل و فصل مباحثات اخلاقی در زمینه‌ی تصرفات انسان بر پیکر خود بدون داشتن دیدگاهی صحیح نسبت به سرفصل اموال در دنیای فقه و حقوق امکان‌پذیر نیست و چه بسا با اتخاذ چنین دیدگاهی از خشونت و واهمهی حاکم بر مال تلقی کردن اعضاء انسان کاسته شود. «مالیت» داشتن اگرچه در بادی امر همواره به قابلیت مبادلاتی و اقتصادی چیزی در یک بازار فرضی دلالت دارد (۲۷)، به واقع، مفهومی اعتباری و

در پاسخ به پرسش فوق، باید گفت که تنها کارکرد وصف مالیت، امکان داد و ستد بالفعل موضوع آن نیست بلکه از همه مهم‌تر، قابلیت بالقوه‌ی آن برای ورود به یک بازار نسبی و بین طرفینی است که ممکن است هرگز به منصفی اجرا و ظهور نرسد و اگر نرسد خللی به مالیت چیزی وارد نمی‌سازد. زیرا این بازار است که برای اعتبار خود به اموال نیازمند است نه این‌که اموال برای داشتن وصف مالیت خود به بازار خرید و فروش نیازمند باشند. مثال متداول در این خصوص یادگاریها و عکس‌های خانوادگی است که شاید برای دیگران بی‌ارزش باشد اما می‌تواند برای دارنده‌ی آن‌ها در زمره‌ی اموال تلقی شود. آیا می‌توان به این دلیل که هرگز داد و ستدی بر آن‌ها روی نداده است، حق فرد بر آن‌ها را غیر مالی تلقی کرد و از ورود آن‌ها به دارایی وراثت جلوگیری به عمل آورد؟

بدیهی است که پاسخ به این پرسش منفی است زیرا هر چیز باید ابتدا مال باشد تا به بازار راه یابد اما تنها کارکرد اموال، راه‌یابی آن‌ها به بازار نیست بلکه پتانسیل انتقال آن‌ها از فردی به دیگری و یا از میتی به بازماندگان نیز از آثار مهم مالیت است. به عبارتی، «مالیت» موضوعات، شرط اعتبار بازار داد و ستد است اما قابلیت داد و ستد در بازار شرط مالیت موضوعات نیست و تنها، دلیلی بر انصاف چیزی به وصف مالیت است که عدم آن نمی‌تواند عدم مالیت چیزی را برای دارنده‌ی آن اثبات کند. بنابراین، نگارنده چنین می‌پندارد که قابلیت دادوستد و نقل و انتقال از آثار مالیت است نه شرط مالیت آن‌ها؛ بنابراین، صفت مالیت حاکی از ارزش و نفعی است که برای مالک موضوع آن دارد، خواه ارزش تجاری داشته یا نداشته باشد یا به عبارتی خواه در بازار وارد شده یا نشده باشد. در فتاوی جدید از سوی علمای اسلام اعضای انسان می‌توانند با لحاظ شرایطی مورد خرید و فروش واقع شوند، پس ما مبنای نظری لازم برای احراز انتقال‌پذیری اموال را در خصوص اعضای بدن، در فقه معاصر به‌دست آورده‌ایم. در این میان به نظر می‌رسد که وجود نهاد دیه و ارش که به‌شدت با نرخ تورم در جامعه و شاخص‌های عرفی ارزش

نسبی است. مال هر آن چیزی است که برای دارنده‌ی آن نفعی به همراه دارد (۲۸، ۲۴) و وی حاضر باشد در قبال آن مالی پرداخت کند (۲۹). لذا تعیین ارزش و منفعت آن در رابطه‌ی خود طرفین امکان‌پذیر است (۳۰، ۲۵). این گفته بدین معنی است که مفهوم مال می‌تواند ارتباطی با ارزش تجاری آن نداشته و چه بسا فاقد ارزش خاصی در بازار باشد. دکتر امامی در خصوص تفسیر وصف مالیت مورد معامله در ماده‌ی ۱۹۰ قانون مدنی، بیان می‌دارد: «بعضی حقوقین جدید بر آنند که از نظر حقوقی مالیت مورد را به‌طور مطلق ملاک صحت معامله قرار دادن تعبیری خشک و دشوار است، چه عمل عرف و جامعه بر آن است که از هر چیز منتفع شود خواه ارزش تجاری داشته یا نداشته باشد آن را مورد معامله قرار می‌دهد و در عوض آن بذل مال می‌کند زیرا منطق اجتماع در داد و ستد نفعی است که به شخص متعهدله یا منتقل‌إلیه عاید می‌شود، اگر چه دارای ارزش تجاری و معاوضه در بازار نباشد.» (۳۱).

حال جای این پرسش اساسی است که آیا مفهوم مال که در رئالیستی‌ترین تعبیر خود، امری نسبی است، تنها در فضای مبادلاتی و روابط بالفعل داد و ستد قابل تصور است یا این‌که وصف «مالیت» پتانسیلی است که موضوعات متصف به آن همواره از آن برخوردارند و ارتباطی با داد و ستد بالفعل آن‌ها ندارد؟ به عبارت دیگر، آیا این بازار است که موضوعات را به وصف نسبی مالیت متصف می‌سازد یا موضوعات به اعتبار وصف مالیت در بازار راه می‌یابند یعنی قبل از آن‌که وارد بازار شوند مال تلقی شده‌اند؟ هرچند یافتن پاسخی درخور برای این پرسش در گرو تفسیر و بحث سرفصل اموال است و به‌نظر از موضوع پژوهش ما دور می‌آید، اما ما به پاسخ آن در این مقام نیازمندیم. این نیاز از جایی بروز می‌یابد که در فناوری مهندسی سلول‌های نطفه‌ای انسان، بحثی از مبادله و داد و ستد سوژه‌ی گامتیک وجود ندارد اما ما بنا به اقتضائاتی که پیش از این متذکر شده‌ایم، باید درک جامعی از کیفیت روابط انسان با گامت‌های خود به‌دست آوریم.

نیست و مالک نمی‌تواند با استناد به چنین قاعده‌ای در ملک خود هر نوع تصرفی را اعمال کند، بلکه اعمال این‌گونه تصرفات باید مبتنی بر قواعد و تحت اصول و ضوابط انجام پذیرد (۳۳). منظور نهایی این قاعده استقلال و عدم محجوریت مالک در تصرفات مشروع و ممنوعیت مزاحمت برای وی از سوی دیگری است و حدیث مستند، دلالتی بر استقلال مالک در اعمال هر نوع تصرف ندارد (۲۴). بنابراین، این قاعده در مقام تشریح نبوده و نمی‌توان در صورت شک در مشروعیت نوعی از تصرف، به عموم حدیث استناد کرد.

حدود فراوانی که از طریق کتاب، سنت و حتی بنای عقلا بر اطلاق این قاعده [البته اگر اطلاقی برای آن قابل تصور باشد] وارد شده است، بیانگر این واقعیت است که تصرفات مالکانه از حیث متعلق، طرق کسب مالکیت، کیفیت مصرف و حقوقی که به اموال تعلق می‌گیرد تحدید شده است (۳۴).

پر واضح است با اتخاذ چنین رویکردی نسبت به قاعده‌ی تسلیط، کیفیت تصمیمات و تصرفات والدین در سوزه‌های قرارداد مهندسی و به‌ویژه رویان که حساسیت بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد، در فضای شرع، مقررات عقلی، نظامات اجتماعی، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، فرهنگی و حقوقی در سطوح ملی و بین‌المللی معنا می‌شود و رها و بی‌قید و شرط نیست تا واهمی فروپاشی نظم اجتماع، شالوده‌ی جامعه‌ی بشری و انهدام کرامت انسان را به دنبال آورد. نگارنده به چیزی فراتر از مدلول و منظور واقعی قاعده‌ی تسلیط در شرع مقدس اسلام، اعتقاد ندارد لذا با اتخاذ این دیدگاه که رعایت مقررات و نظامات شرعی و عقلی، شرطی گریزناپذیر برای مشروعیت و مقبولیت قرارداد مهندسی سلول‌های نطفه‌ای انسان است، هرگونه سوء استفاده از دامنه و گستره‌ی قاعده‌ی تسلیط مردود و نامقبول شمرده خواهد شد. نتیجه‌ی مهم توجه به گستره‌ی واقعی قاعده‌ی تسلیط، به‌ویژه در سناریوهای بهسازی مهندسی سلول‌های نطفه‌ای انسان رخ نشان می‌دهد. نه تنها دور از ذهن نیست بلکه بسیار

اعضاء گره خورده است، خاصیت تقویم اموال به پول را در خصوص اعضای انسان نیز مورد حمایت قرار می‌دهد. ایده‌ی مملوکیت و مالیت رویان در مجموع خود بدین معناست که مبنای اختیار و صلاحیت والدین برای تغییرات درمانی یا بهسازی ژنی در رویان، در چارچوب قاعده‌ی تسلیط قابل تحلیل و بررسی است. بنابراین، ما قاعده‌ی تسلیط را مبنای تصرفات سوزه‌دهنده در گامت و رویان قرار داده‌ایم، پس شایسته است تا قبل از تعیین حدود استفاده از آن در قرارداد مانحن‌فیه، درکی واقعی از گستره‌ی معنا و دلالت آن به‌دست آوریم. این موضوعی است که در بحث آتی به آن خواهیم پرداخت.

بحث چهارم: محدودیت‌های قاعده‌ی تسلیط در ارتباط

با رویان

حدیث شریف الناس مسلطون علی اموالهم، «در مقام بیان تسلط مالک بر نوع تصرفات خود و نیز اختیارات آنان در کیفیت تصرفات نیست و می‌توان چنین پنداشت که مردم در صورتی در تصرفات مالی خود مجازند که نوع تصرف و شیوه‌ی آن بر طبق مقررات شرعی و عقلایی باشد» (۳۲). بنابراین، روایت یاد شده صرفاً اصل اختیار و سلطه‌ی مالک بر اموال خود را بازگو می‌کند و در خصوص نوع و شیوه‌ی تصرف اطلاقی ندارد (۳۲). به‌عبارتی، قاعده‌ی تسلیط در مقام تشریح نیست و نمی‌توان در صورت شک در مشروعیت نوعی از تصرف، به عموم حدیث استناد کرد.^۱ از سوی دیگر، سلطه‌ی مالکانه در شریعت اسلامی به طرق گوناگون هدایت و کنترل می‌شود تا آن‌جا که قاعده‌ی «لاضرر» که حکومت آن بر ادله‌ی احکام اولیه ثابت است، خود در راستای محدودیت اقتدارات و اختیارات ناشی از قاعده‌ی تسلیط مقرر شده است (۳۳). بنابراین، باید گفت که دامنه‌ی قاعده‌ی تسلیط نامحدود

^۱ برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: منبع شماره (۲۸) صص: ۲۰۶ به بعد

ملاحظه‌ی اهداف سناریوهای درمان و بهسازی مهندسی سلول‌های نطفه‌ای انسان ما را به این نتیجه رهنمون می‌شود که هیچ‌یک از تصرفات و تصمیمات والدین در خصوص ایجاد تغییرات ژنتیکی قابل توارث در نسل بعد خود، «نمی‌باید» حق زندگی آتی رویان را مورد ضرر قرار دهد و شاخصه‌های زندگی سالم را در ایده‌ال‌های نوین بهداشت و سلامت از وی دریغ کند. بی‌شک، رعایت این قیود را باید از جمله محدودیت‌های نوین سلطه‌ی مالکانه‌ی والدین بر رویان دانست.

نتیجه‌گیری

اجرای موفقیت‌آمیز سناریوهای درمان و بهسازی در فناوری مهندسی سلول‌های نطفه‌ای به طی مراحل آزمایشی بر روی سوژه‌ی رویانی وابستگی کامل دارد. این مطلب بدین معنی است که نظر به دستاوردهای علمی، این فناوری به تعداد بی‌شماری رویان نیازمند است تا پس از طی آزمون و خطا به نتایج قابل اعتماد و رضایت‌بخش نائل آید. به‌علاوه، این فناوری به‌شدت با این پرسش روبه‌روست که چه کسی، چرا و چگونه می‌تواند اندیشه و انتخاب خود را بر نسل‌های آتی تحمیل کند؟ حال اگر سوژه‌های انسانی در دست‌ورکار پژوهش‌های این فناوری قرار داشته باشد، مشروعیت پژوهش‌های مربوطه در گروهی پشت سر گذاشتن چالش‌های اخلاقی، فقهی و حقوقی در خصوص شأن و جایگاه رویان انسان و نوع روابط والدین با آن است. نظر به پیشرفت‌های روزافزون در عرصه‌ی بیوتکنولوژی، شایسته است تا بازاندیشی‌های لازم در این رابطه، ما را به نتایجی رهنمون کند که از گسل اختلافات کاسته و افق‌های اتفاق‌نظر را بنمایاند. در این پژوهش، ما با قائل شدن به‌وجود سلسله مراتب در آفرینش انسان، جنین انسان پیش از دمیده شدن روح انسانی را از دایره‌ی شؤن انسانی خارج ساخته و آن را حیاتی نباتی تلقی کرده‌ایم که وجهی برای تفضیل بر سایر موجودات نباتی ندارد.

واقع‌گرایانه است اگر بگوییم تمایلات والدین برای بهسازی و اصلاح نسل‌های آتی ممکن است ریشه در رفتارهایی جمعی نظیر هوس، مد و حتی هیستری یا جنون جمعی داشته باشد. از سوی دیگر، ارزش‌های اجتماعی نیز همیشه مطلق نیستند و رعایت آن‌ها در ضمن تصمیم‌گیری‌ها با نوعی نسبییت همراه خواهد بود و این نگرانی را در پی خواهد آورد که تغییرات ژنی در درازمدت، ثبات اجتماعات را در هم ریزند. پر واضح است، آینده‌ی جامعه‌ی بشری و نوع روابط بین نسلی نمی‌تواند ملعبه‌ی سلیقه‌ورزی والدین در مورد سوژه‌ی رویانی قرار گیرد. با توجه به دامنه‌ی واقعی قاعده‌ی تسلیط، والدین اگرچه مالکین سوژه‌های فناوری هستند اما نمی‌توانند عقلا نیت، سیاست‌ها و قوانین ملی و بین‌المللی را نادیده انگارند و نهادهای مسؤول نیز می‌باید به تدوین مقررات و راهبردهایی برای جهت‌دهی به تصمیمات آن‌ها همت گمارند. به‌نظر می‌رسد که به این ترتیب جای هیچ نگرانی از اعمال قاعده‌ی تسلیط در موضوع بحث باقی نخواهد ماند.

طرف دیگر بحث توجه به هدف نهایی فناوری مهندسی سلول‌های نطفه‌ای انسان است که نسل‌های آتی سوژه‌دهنده را در کانون خود دارد. در این میان، رویان اگرچه فعلاً دارای شخصیت نیست، «پتانسیل شخصیت یافتن» را داراست، به این معنا که اگر زمینه‌ی پرورش آن فراهم آید و اجازه‌ی پیشرفت به آن داده شود، احتمالاً به شخصیت انسانی تبدیل می‌شود که تزییع «حق زندگی» از وی مگر در موارد و جایگاه‌های مشخص و مجاز، امری غیراخلاقی تلقی خواهد شد (۳۵). ما پیش از این دانستیم که حق زندگی حقی پایه‌ای و اساسی است که بهره‌مندی از آن شرط لازم برای بهره‌مندی از تمام حقوق دیگر بشری است و قبول بعد وسیع و صحیح آن متضمن حق افراد بشر بر عدم محرومیت از آن و به‌علاوه نائل شدن به معیارهای شایسته‌ی زندگی و حفظ آن است. نظریات نوین در نهایت می‌پذیرند که بدون معیارهای کافی زندگی مثل سلامت، حق زندگی به مفهوم کامل واقعیت پیدا نمی‌کند (۳۶). بنابراین، احترام به پتانسیل انسانی رویان و نیز

منابع

- 1- Baruch S, Huang A, Pritchard D, et al. Human germ line genetic modification, issues and options for policymakers. <http://www.dnapolicy.org/images/reportpdfs/HumanGermlineGeneticMod.pdf> (accessed in 2010).
- 2- Houdebine IM. Animal Transgenesis and Cloning. John Wiley & Sons; 2003, p. 54-56, 59-60, 64-65, 69-70.
- ۳- کال گ. فرهنگ جامع اصطلاحات ژنتیک و بیوتکنولوژی. ترجمه‌ی سلحشوری، ا. گرشاسبی، م. نجات م و همکاران. تهران: انتشارات جامعه‌نگر؛ ۱۳۸۴، ص ۳۷۸.
- 4- Szebik I, Glass KC. Ethical issues of human germ-cell therapy: a preparation for public discussion. Acad med 2001; 76(1): 32-8.
- 5- Baruch S, Huang A, Pritchard D, et al. Human germ line genetic modification, genetic and public policy center. http://www.dnapolicy.org/pub.reports.php?action=detail&report_id=3 (assecced in 2010)
- 6- Kang JH, Ruiz A, Friendship RM, Buhr M, Golovn SP. The negative effects of exogenous DNA binding on porcine spermatozoa are caused by removal of seminal fluid. Theriogenology 2008; 70(8): 1288-96.
- 7- Smith K. Gene therapy: the potential applicability of gene transfer technology to the human germ line. Int J Med Sci 2004; 1(2): 76-91.
- 8- Clark A. Generation of transgenic livestock by pronuclear injection. Methods Mol Biol 2002; 170: 273-88.
- 9- Nagashima H, Fujimuri T, Takahagi Y, et al. Development of efficient strategies for the production of genetically modified pigs. Theriogenology 2003; 59(1): 95-106.
- ۱۰- طباطبایی م. تفسیر المیزان. ترجمه‌ی موسوی همدانی م.ب. تهران: کانون انتشارات محمدی؛ ۱۳۶۶، جلد ۲۳، ص ۱۵۲، ۲۶۶، ۲۶۷.
- ۱۱- نجفی م. جواهر الکلام، چاپ چهارم. تهران: انتشارات کتابچی؛ ۱۳۷۴، جلد ۴۳، ص ۴۲، ۳۵۷، ۳۵۸.
- ۱۲- سیوری ج. کنز العرفان فی فقه القرآنیه تصحیح بهبودی م.ب. تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه؛ جلد ۲، ص ۳۷۴.

به‌علاوه، با بررسی‌های انجام شده مشخص شد که می‌توان با پیگیری نوع رابطه‌ی فرد با گامت‌های خود ماهیت رویان را نیز تحلیل کرد. با این حساب رویان به‌عنوان یک موجود نباتی، نظر به ژنوم ترکیبی خود، در ملکیت مشاع والدین قرار دارد و به‌نظر ما هر گونه تصمیم برای مداخلات ژنتیکی بر آن باید با صلاحدید هر دو والد تحت نظامات خاص باشد. این ایده فی حد نفسه ناپخته، نامطمئن و خشن جلوه خواهد کرد اما چنان‌که مشاهده شد تحلیلی نوین از سرفصل اموال در دنیای حقوق و نیز توجه به معنای واقعی مالکیت و همچنین دانستن حدود و ثغور واقعی آن می‌تواند ایده‌ی ما را از تعارض با اخلاقیات برهاند. نگارنده می‌پندارد که تصورات افراطی از مفاهیمی هم‌چون مالکیت و مالیت به هراس‌ها دامن می‌زند، حال آن‌که در شرع مقدس اسلام تصرفات مالکانه حدود و ثغور گسترده داشته و به‌شدت با نظم اجتماع، ثبات حیات جمعی، عقلانیت و نیز منع ضرررسانی و جلوگیری از سلیقه‌ورزی‌های پوچ و خطرناک گره خورده است.

- ۱۳- طباطبایی م. تفسیر المیزان. ترجمه موسوی همدانی م. ب. قم: دفتر انتشارات اسلامی؛، جلد ۱۵، ص ۲۵، ۲۶.
- ۱۴- قماش س. اسقاط عمدی جنین از دیدگاه فقه اهل سنت. در: جمعی از نویسندگان. بررسی سقط جنین از منظر پزشکی، حقوقی، فقهی، اخلاقی، فلسفی، روانشناختی و جامعه شناختی، چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت؛ ۱۳۸۸، ص ۴۳۳ و ۴۳۲.
- ۱۵- محسنی م. سقط جنین در فقه اسلام. در: جمعی از نویسندگان. بررسی سقط جنین از منظر پزشکی، حقوقی، فقهی، اخلاقی، فلسفی، روانشناختی و جامعه شناختی، چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت؛ ۱۳۸۸، ص ۳۲۲.
- ۱۶- قائنی م. سقط جنین از منظر فقه. ترجمه ی رخی اح و کریمی نیا م. در: جمعی از نویسندگان. بررسی سقط جنین از منظر پزشکی، حقوقی، فقهی، اخلاقی، فلسفی، روانشناختی و جامعه شناختی، چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت؛ ۱۳۸۸، ص ۳۹۴.
- ۱۷- حرعاملی م. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام؛ جلد ۲۹ (باب هفتم از موجبات قصاص نفس و مجلد ۲، باب سی و سوم از ابواب حیض).
- ۱۸- نجفی م. جواهر الکلام، چاپ چهارم. تهران: انتشارات کتابچی؛ ۱۳۷۴، جلد ۱۵، ص ۴۲، ۳۵۷، ۳۵۸، ۴۲۹.
- ۱۹- قبله‌ای خوبی خ. مسائل مستحدثه (جنین، کودکان نامشروع و...)، چاپ اول. تهران: انتشارات سمت؛ ۱۳۸۷، ص ۹۲ و ۹۳.
- ۲۰- میرمحمد صادقی ح. حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، چاپ اول. تهران: نشر میزان؛ ص ۱۹۶ و ۱۹۷.
- ۲۱- بی‌نام. نظریه مشورتی ۷/۲۹۹۱ مورخ ۱۳۶۵/۵/۲۱ هجری شمسی صادره از اداره حقوقی قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۲- علامه حلی. قواعد الاحکام به نقل از مروارید ع، سلسله الینابیع الفقهیه (القصاص و الدیات)، جزء الثانی، مجلد ۲۵، الطبعة الاولى، دارالترات و دار الاسلامیه؛ ۱۴۱۰ ه. ق. ص ۶۲۱.
- ۲۳- نجفی م. جواهر الکلام، چاپ ششم. به تصحیح میانجی س. ا. تهران: المکتبه الاسلامیه؛ ۱۳۹۸ ه. ق. جلد ۴۲، ص ۳۶۴.
- ۲۴- موسوی خوئی ا. مصباح الفقاهه، چاپ اول. قم: مکتبه
- الداوری؛ ۱۳۷۷، جلد ۲، ص ۱۶۲.
- ۲۵- شهیدی م. تشکیل قراردادهای و تعهدات، چاپ اول. تهران: نشر حقوقدان؛ ۱۳۷۷، جلد ۱، ص ۳۴۹، ۳۰۵-۳۰۲.
- ۲۶- نظری توکلی س. پیوند اعضا در فقه اسلامی، چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی؛ ۱۳۸۱، ص ۸۴-۸۱.
- ۲۷- صفایی ح. حقوق مدنی، چاپ دوم. تهران: مؤسسه عالی حسابداری؛ ۱۳۴۸، جلد ۱، ص ۱۸۲.
- ۲۸- غروی م. التفتیح فی شرح المکاسب، تقریراً لأبحاث الاستاذ السید ابولقاسم الخوئی (ره). قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی؛ ۱۴۲۸ ه. ق. جلد ۳۶، ص ۳.
- ۲۹- صفایی ح. قواعد عمومی قراردادهای، چاپ پنجم. تهران: نشر میزان؛ ۱۳۸۶، جلد ۲، ص ۱۲۷.
- ۳۰- کاتوزیان ن. قواعد عمومی قراردادهای، چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار؛ ۱۳۸۸.
- ۳۱- امامی ح، حقوق مدنی، چاپ بیست و دوم. تهران: انتشارات اسلامیه؛ ۱۳۸۱، ص ۲۱۰.
- ۳۲- محقق داماد س. م، قنواتی ج، وحدتی شبیری س. ح، عبدی پور ا. حقوق قراردادهای در فقه امامیه، چاپ اول. تهران: انتشارات سمت؛ ۱۳۷۹، ص ۲۰۸.
- ۳۳- محقق داماد م. قواعد فقه بخش مدنی. تهران: انتشارات سمت؛ ۱۳۷۴.
- ۳۴- مکارم شیرازی ن، القواعد الفقهیه، چاپ سوم. قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب (علیه السلام)؛ ۱۴۲۹ ه. ق. جلد دوم، ص ۲۵.

35- Warren Mary A. On the moral and legal status of abortion. In: Mappes TA, Degrazia D, Ballard J, (eds). Biomedical Ethics, 5th ed. New York: MC Grew-Hill; p.460.

۳۶- ترینداد آ. حقوق بشر و محیط زیست. در: حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها دستورالعمل آموزش حقوق بشر در دانشگاه‌ها، چاپ اول. ترجمه‌ی شیرخانی مح. تهران: نشر گرایش؛ ۱۳۸۳، جلد اول، ص ۱۷۱-۱۶۹.

Ethical and legal nature of the human embryo regarding human germ line gene engineering

Fatemeh Torof^{*1}

¹ MS, Faculty of Law & Political Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

Abstract

Practically, scientific foundations illustrate that the embryo plays a main role in the related technical scenarios. Considering this fact, if technical researches orientated to human subjects, essential legal and juridical arguments will be generated. This article aims to offer a new analysis about moral and juridical nature of human embryo and the associated parental relationships. Adopting this idea that the embryo before 4th month has no human dignity, the author attempted to present a parental relationship based on ownership and material value. Although the author believes that this idea is built on the legal foundations, it primarily seems that the adopted idea will be faced to moral challenges. From the stand point of this article the concept of the material value of the embryo absolutely refers to an intrinsic value and it doesn't necessarily relate to financial treats. On the other hand, according to the main pure content of the Islamic juridical rule of Taslit, it illustrates that the right of ownership has been limited by different restrictions.

Keywords: human germ line engineering, embryo, human spirit, human dignity, ownership

*Email: fatemehtorof@gmail.com